

روابط ایران با دنیای خارج، از فصول مهم تاریخ ایران به‌شمار می‌آید. در قرن هجدهم میلادی و دوازدهم هجری رقابتهای بازرگانی و سیاسی در مغرب زمین و نیز علاقه‌مندی ایرانیان به توسعه تجارت در برقراری ارتباط ایران و اروپا مؤثر بود.

این پژوهش، بخشی از روابط خارجی ایران در این دوران پر تلاطم و بویژه مناسبات انگلیس با ایران و خلیج فارس و پی‌آمدهای آن را مورد بررسی قرار می‌دهد.

□

در ابتدای حکومت کریم خان زند، تنها دروازه‌های روسیه بر روی ایران گشوده بود. زیرا جدال دیرینه ایران و عثمانی که از دوره‌های پیشین به میراث رسیده بود، همچنان ادامه یافت و در عمل ارتباط ایران و اروپا از مسیر کشور عثمانی غیرممکن گردید. انسداد این راه سنتی ارتباط ایران و مدیترانه شرقی، که در واقع یکی از مسیرهای دیرینه ارتباط ایران و غرب بود تأثیرات مهمی را در سیاست خارجی ایران در دوره کریم خان و بویژه در ارتباط با دولت انگلیس و خلیج فارس برجای گذاشت. طبعاً جدایی از باختر، ایران را به سوی روابط منطقه‌ای سوق داد و شرق دور به‌عنوان یک متحد دیرپای تاریخی و فرهنگی مورد توجه قرار گرفت و رویکرد به چین با این زمینه‌ها و برای ارتباط مستحکم تجاری بود. لیکن آسیای مرکزی تحت تسلط خان‌های بزرگ مغول و ترک‌نژادی قرار داشت که به سبب شیوه غارت‌گرانه و نیمه بدوی به صورت سد غیرقابل نفوذ میان ایران و چین درآمده بود. بنابراین سیاست خارجی



کریم خان زند و انگلیس در خلیج فارس

حمیدحاجیان‌پور

راهزنان دریایی جنوب را سرکوب کرد.

■ کریم خان و کمپانی هند شرقی

از زمان سقوط اصفهان به دست افغانه و اندکی بعد با قتل نادرشاه افشار و پریشانی اوضاع در دورهٔ جانشینان نادر، ایران ثبات سیاسی خود را از دست داد و روابط خارجی ایران به‌ویژه با اروپا در حالت رکود قرار گرفت و در این دوران هرج و مرج، نه تنها زمینه برای رونق تجارت اروپائیان مساعد نبود، بلکه تجارت خانه‌های آنان چپاول شد و بسیاری از مراکز تجاری خارجی به کار خود پایان دادند. بنابر نوشتهٔ محمدحاشم آصف، از مورخان دورهٔ زندیه، تجارتخانه‌های انگلیسیها در بسیاری از شهرهای ایران و از جمله رشت و اصفهان غارت شد.^(۱) در تحلیل کارگزاران سیاسی انگلیس، فقدان امنیت از عوامل کاهش آمد و شد اروپائیان و رکود تجارت ایران بود.^(۲)

در این دوران، بندر عباس، مهم‌ترین بندر تجاری در جنوب، به‌جهت شورشها و نیز رقابتهای جهانی فرانسه و انگلیس اهمیت تجاری خود را از دست داد و در واقع جنگهای عمدهٔ قرن هجدهم میلادی که دارای ماهیت سیاسی و اقتصادی و بویژه جنگ بر سر مستعمرات بود، تأثیرات سختی بر فعالیت‌های تجاری در شرق گذاشت. جنگ‌های هفت سالهٔ فرانسه و انگلیس که بخشهای عمده‌ای از جهان را تحت تأثیر قرار داد در خاور، مراکز تجاری انگلیس در خلیج فارس و بنادر ایران را به مخاطره انداخت و زوال آنان آغاز شد. این از هم‌گسیختگی سیاسی، موجب رکود بازرگانی و بی‌میلی مسافران و بازرگانان گردید؛ به‌طوری که بعد از پلستد* تا قریب سی و سه سال کسی را

ایران و بویژه مناسبات اقتصادی متوجه شبه قارهٔ هندوستان گردید. تجارت ایران و هند که از آغاز قرن دوازدهم هجری نضج گرفته بود در دورهٔ نادرشاه افشار به اوج رسید، به‌طوری که چگونگی تحولات خارجی ایران تحت تأثیر رونق شهرهای بزرگ هند قرار گرفت. این شرایط تا سال وفات اورنگ زیب در سال ۱۱۱۹ ه. ق ادامه داشت و اندکی بعد طلیعهٔ انحطاط اقتصادی شهرهای بزرگ هند آشکار شد. دو حادثه در افول اقتصادی شبه قاره مؤثر واقع شد: تهاجم سپاه نادر در سال ۱۱۵۱ ه. ق و غارت و حریق دهلی در این انحطاط مؤثر بود. و از سوی دیگر، بعد از تأسیس کشور جدید افغانستان در سال ۱۷۴۷م / ۱۱۶۰ ه. ق راه کاروانی هند که از شهرهای هرات و کابل می‌گذشت و عامل تجارت زمینی ایران و هند بود، مسدود گردید.

در حقیقت پایان قرن دوازدهم هجری مصادف با تجدید حیات تجارت ایران و روس بود و از راههای گوناگون ارتباطی ایران تنها دروازه‌های روسیه هنوز گشوده بود و شهر هسترخان در منتهی‌الیه راههای کاروانی ایران و روس، مرکز تجارت دو کشور شد. به رغم راه روسیه، ایران همچنان در فقدان مسیرهای مهم ارتباطی به‌سر برد و راه هسترخان چارهٔ جدایی و انزوای ایران را در دنیای قرن دوازدهم هجری فراهم نکرد. در این شرایطی که بر تجارت خارجی ایران مقارن استقرار سلسلهٔ زندیه مستولی بود، کریم‌خان زند با برقراری امنیت داخلی و با مدنظر قرار دادن سیاست احتیاط آمیز در صدد برقراری روابط با فرانسه و انگلیس برآمد. از جانب دیگر، برای ازمیان بردن حصارهای ایران و دراختیار داشتن مدخل دریایی برای تجارت خارجی، شهر بصره را تصرف کرد و برای استقرار امنیت در خلیج فارس

* بارتولو میوپلستد از مأمورین کمپانی هند شرقی

در برخورد با مسائل ایران بود، اثرات مهمی در تجزیه قدرت و تضعیف دولت مرکزی داشت و از سیاست‌های درازمدت انگلیس در ایران بود؛ به طوری که «سرگور اوزلی» از نمایندگان سیاسی انگلیس در ایران در اوایل سده سیزدهم هجری، سیاست تضعیف ایران را برای حفظ منافع انگلیس در منطقه و بویژه در شبه قاره هند به کارگزاران سیاست خارجی انگلستان ارائه داد و روش‌های استعماری انگلیس در ایران دوره قاجاریه در نهایت به تضعیف ایران انجامید.

در دوره کریم خان زند در جهت سیاست درازمدت انگلیس در خلیج فارس با شیخ بندربوشهر روابط نزدیکی برقرار ساختند. در سال ۱۱۷۶ ه. ق «دوگلاس» به نمایندگی از طرف کمپانی هند شرقی انگلیس با شیخ سعدون، شیخ بندربوشهر، معاهده تجاری منعقد ساخت و براساس آن اتباع انگلیسی اجازه فعالیت تجاری در بوشهر یافتند. این قرارداد که یکی از اتفاقات مهم سیاسی و تجاری در خلیج فارس به شمار می‌آید تعهداتی را برای شیخ سعدون و ایرانیان در برداشت و پذیرفتن که ضمن حفاظت از اموال و نفوس انگلیسیها، تجارتخانه‌ای به خرج شیخ سعدون برای بازرگانان انگلیسی ساخته شود و

→ انگلیس که در سال ۱۱۶۳ ه. ق در پادشاهی شاهرخ نواده نادرشاه به ایران سفر کرد. او در شرح سفر خود به ایران می‌نویسد که: چون ناخدای ناو کاپیتان رابین سون توانست کالاهای خود را بی هیچ دردسری در بندر عباس بفرشد و از رفتن به بوشهر چشم پوشید، پلستد تغییر عقیده داد و به فکر افتاد از اصفهان دیدن کند و از آنجاریاهی تخت جمشید گردید و سرانجام در زمان یکی از مدعیان تاج و تخت صفویه به نام شاه سلیمان سوم، به بندرعباس بازگشت تا به سوی بصره حرکت کند. ر.ک: طاهری، ابوالقاسم، تاریخ روابط بازرگانی و سیاسی انگلیس و ایران، ج ۱، تهران، انجمن آثار ملی، ۱۳۵۴، صص ۲۶۶-۲۶۵.

رستم التواریخ

تالیف

محمد هاشم آصف
(رستم‌الحکما)

(از روی نسخه موجود در کتابخانه آثار فرهنگی ایالت پروس آلمان توسط مؤلف)

تصحیح، ترمیم و ترتیب‌دهی و تنظیم فهرست‌های متعدد

از

محمد مشیری

کتابخانه حقوق سطوط و مشورس مطبع است

طهران

آبان ماه ۱۳۴۸

نمی‌یابیم که گام بر خاک ایران نهاده باشد. بنا بر منابع این دوران، در زمان جنگ‌های هفت ساله در اروپا، ناوگان جنگی فرانسه با پرچم هلند تجارتخانه انگلیس در بندرعباس را ویران کرد. هرچند دوگلاس نماینده کمپانی هند شرقی انگلیس، مرکز جدیدی بر شالوده بنای قدیمی بنیاد نهاد، اما فشار حاکم لار در سال ۱۱۷۵ ه. ق برای دریافت باج موجب انتقال مرکز تجاری انگلیس در خلیج فارس از بندرعباس به بوشهر گردید و بندرعباس اهمیت تجاری خود را در جنوب از دست داد و دوره‌ای از رونق بندربوشهر آغاز شد.^(۳)

در بررسی اقدامات کمپانی هند شرقی انگلیس در ربع آخر قرن دوازدهم هجری، موضوع مهم ارتباط یافتن انگلیس، با شیوخ سواحل جنوبی ایران است. این روابط مستقل که بویژه در سده‌های آینده یکی از روش‌های سیاست انگلیس

کمپانی انگلیسی.

۴ - آزادی خرید و فروش کالا در ایران.

۵ - حمایت دولت ایران از تجار انگلیس بویژه

در دریافت قروض از اتباع ایران.

۶ - کمک حکام ساحلی به کشتی‌های انگلیسی

در خلیج فارس در حوادث غیرمترقبه مانند طوفان.

۷ - آزادی مذهبی اتباع انگلیسی.

۸ - معافیت مالیاتی تجارت‌خانه‌ها و

کارخانه‌های انگلیس.

ب - تعهدات کمپانی هند شرقی:

۱ - در نظر گرفتن معامله تهاتری و عدم انتقال

پول حاصل از فروش کالا در ایران و انتقال

کالاهای ایرانی به جای پول.

۲ - عدم مزاحمت برای مسلمانان و در نظر

گرفتن تقدم فروش کالا به تجار مشهور و معروف

ایرانی.

۳ - عدم حمایت از افراد شورشی و مخالفان

کریم خان.

۴ - عدم حمایت از دشمنان پادشاه ایران.

بدنبال صدور فرمان کریم خان در واگذاری

اجازه تجارت به کمپانی هند شرقی، حکام و

کارگزاران ایران در بنادر خلیج فارس مأموریت

یافتند که در تسهیل داد و ستد اتباع انگلیسی از

هیچ مانعی برای آزادی معاملات بازرگانان کمپانی هند شرقی وجود نداشته باشد. در واقع قرن هجدهم میلادی اوج سرمایه‌داری تجاری است که در قالب فعالیت‌های شرکت‌های بزرگ تجاری تبلور یافته بود و ابزارهای مهم سیاسی دول اروپایی قدرتمند در این دوران به شمار می‌آمدند و اندکی بعد در قرن نوزدهم میلادی وسیله استعمار ملل آسیایی و آفریقایی شدند.

قرارداد شیخ سعدون و کمپانی هند شرقی مقدمه شدت یافتن نسیم‌های استعماری است که مقارن با تکامل انقلاب صنعتی نیازهای نوینی را در خلیج فارس و اقیانوس هند و مدیترانه شرقی جستجو می‌کرد. بعد از انعقاد قرار داد، کمپانی هند شرقی «دورنغورد»^{*} را برای تحکیم توافق‌نامه و به‌دست آوردن امتیازات جدید بازرگانی به دربار کریم‌خان زند فرستاد و نماینده کمپانی توانست با توجه به علاقه‌مندی کریم‌خان به توسعه اقتصاد کشور اجازه فعالیت تجاری در ایران و بویژه در بنادر جنوبی ایران در خلیج فارس دریافت کند.

■ قرارداد ایران و انگلیس

کریم خان زند با انگیزه توسعه تجارت ایران، قراردادی را با کمپانی هند شرقی انگلیس در سال ۱۱۷۶ ه. ق منعقد ساخت و در آن تسهیلاتی را برای بازرگانان انگلیس در نظر گرفت. این قرارداد که در دو بخش تنظیم شده بود، ایران و کمپانی تعهدات متقابلی را پذیرفتند:[□]

الف - تعهدات ایران:

۱ - در اختیار گزاردن اراضی برای ساختن تجارت‌خانه، قبرستان و باغ.

۲ - معافیت گمرکی کالاهای انگلیسی در بنادر

خلیج فارس.

۳ - انحصار ورود پارچه ابریشمی به ایران برای

* برخی از منابع وی را پرایس نامیده‌اند. سایکس سفر

دورنغورد به دربار کریم خان را آورده است. ر. ک:

سرپرسی سایکس. تاریخ ایران. ترجمه سید محمد تقی

فخر داعی گیلانی. بی جا، بی نا، ۱۳۳۰، ج ۲، ص ۲۸۰.

□ متن قرارداد کریم خان زند و کمپانی هند شرقی با

اختلاف‌هایی در دست است. در نقل چکیده قرارداد به

مقایسه دو اثر پرداخته‌ایم. ر. ک: محمود محمود. تاریخ

روابط سیاسی ایران و انگلیس، تهران، اقبال، ۱۳۴۴، ج ۱،

ص ۹-۵؛ قاضی احمد غفاری، تاریخ نگارستان، صص

۴۲۲-۴۲۱.

و از جمله «اسپیدول» را به تصاحب خود درآورد. مؤلف «روضه الصفای» ناصری با شرح دلایل طغیان میرمهنا، قتل عام اتباع انگلیسی و تصرف اموال آنان را ذکر کرده است.^(۵)

مسأله دوم در تجارت کمپانی هند شرقی در خلیج فارس، دست اندازی ناوهای شیخ سلیمان بنی کعب بود که در خوزستان بر ضد کریم خان علم طغیان برافراشته بود و این امر، فعالیت سوداگران انگلیسی را دشوار می‌ساخت. کریم خان که از جسارت امیر یاغی در ناحیه خلیج فارس خشمناک و نسبت به انگیزه واقعی انگلیسیها بدگمان شده بود، با آنان به سردی رفتار کرد و از پذیرفتن «جارویس» نماینده کمپانی خودداری نمود. شورش‌های جنوب ایران و نحوه برخورد انگلیس با مسائل خلیج فارس سوءظن کریم خان را برانگیخت. خان زند که برای سرکوبی میرمهنا احتیاج به نیروی دریایی انگلیس داشت و آنان به رغم وعده خویش در دفع شورش میرمهنا اقدام مؤثری نکردند. این امر، از جمله دلایل خشم کریم خان نسبت به انگلیسیها بود. «کورنلیوس»، اسقف جدید کاتولیک اصفهان، در نامه‌ای که در سال ۱۱۸۰ ه. ق به واتیکان فرستاده است، گزارش می‌دهد که در صدد رفتن به جلفای اصفهان بوده

بذل هرگونه کمکی دریغ نوزند و به پیروی از این سیاست بود که شیخ سعدون در نوسازی مرکز بازرگانی انگلیس در بوشهر کمک‌های مالی کرد و به نمایندگی محلی انگلیس تعهد سپرد که از جان و اموال و آزادی تجارت اتباع انگلیسی حمایت کند. یکی از نکات مهم فرمان کریم خان و تعهدات کمپانی در مقابل ایران، جلوگیری از انتقال پول و ثروت‌هایی بود که کمپانی از فروش کالا در ایران به دست می‌آورد و کمپانی را ملزم می‌کرد در عوض ورود کالا به ایران از اجناس ایرانی صادر نمایند. در واقع، کریم خان زند به یک امر مهم اقتصادی توجه داشته و از خروج ارز کشور جلوگیری نموده است. نکته جالب‌تر در اندیشه اقتصادی کریم خان، مقدم داشتن مصرف صنایع داخلی بر کالاهای خارجی است و آن را به صلاح کشور و جلوگیری از تهیدستی می‌داند.*

اگرچه قرارداد کریم خان زند و کمپانی انگلیسی، آنگونه که «سربرسی سایکس» هم معتقد است،^(۶) منافع ایران را رعایت نمی‌کرد، اما کریم خان نه تنها در فکر رونق بخشیدن به تجارت در حال رکود کشور بود، بلکه می‌خواست با حمایت انگلیسیها از شر «میرمهنا» و سایر قبایل عربی که مزاحم آمد و شد در خلیج فارس بودند رهایی یابد.

■ انگلیس و شورش‌های داخلی

هرچند بعد از انعقاد قرارداد تجاری با ایران، بازرگانان انگلیسی به مدت هشت سال در بندر بوشهر زیر نظر «داگلاس» و «بنجامین جارویس» به مبادلات تجاری پرداختند، اما مهم‌ترین خار در راه تجارت انگلیس و تردد ناوهای ایرانی در خلیج فارس، ظهور «میرمهنا زعابی» فرزند «امیر ناصر بندر ریگی» بود که در سال ۱۱۸۰ ه. ق پس از استیلا بر جزیره خارک، برخی کشتی‌های انگلیسی

* قاضی احمد غفاری یک نمونه آن را به دست می‌دهد: «یکی از بازرگانان فرنگستان ظروف چینی برای کریم خان آورد و گفت لائق خان خداوندی این‌گونه ظروف چینی ست. کریم خان دستور داد تا ظروف مسی کاشان را بیاورند. سپس یکی از آن ظرف‌های چینی را پرتاب کرد و در دم بشکست. بعداً مسی را پرتاب کرد سالم به زمین رسید به بازرگانان گفت: صلاح کشور و مردم کشور من در این است که با این‌گونه ظروف خوگیرند که هرگاه پرتاب شد، سالم ماند و به ساخته‌های کشور خرسند باشند تا تهی دست و درویش نگردند.» ر.ک: تاریخ نگارستان، ص ۴۳۲.

نپذیرفت. این دوره، مقارن با اعمال حاکمیت استعماری انگلیس در هند از سوی کمپانی هند شرقی است و کریم خان زند آگاهانه نگران از دست رفتن استقلال ایران بود و رفتار سردی را نسبت به انگلیسیها درپیش گرفت. بنابر تأیید «روسو»، کنسول جدید فرانسه در بصره، کریم خان اعتماد خود را به انگلیسیها از دست داده بود و با وجود اصرار زیاد از انعقاد قرارداد تجارتي با آنها خودداری کرده است.^(۸) توقف پنج ماهه هیئت

انگلیسی در شیراز در سال ۱۱۸۱ ه. ق برای ملاقات با کریم خان زند، موفقیت‌آمیز نبود. مؤلف «رستم‌التواریخ» سفر هیئت انگلیسی به شیراز و استدلال‌های کریم خان زند مبنی بر نقشه انگلیسیها برای تصرف و مالکیت ایران و وسیله قرار دادن تجارت را برای انگیزه استعماری بیان می‌کند: «اگر با پادشاه ایران مهمی دارد ما پادشاه ایران نیستیم ما وکیل دولت ایرانیم. پادشاه ایران شاه‌اسماعیل است و در قلعه آباده می‌باشد. ایلچی را به خدمت او برید و کارش را انجامی بدهید و اگر با ما کاری دارد، ما با وی کاری نداریم... حاجت ایشان آن است که با پادشاه ایران بنای دوستی و آمد و شد گذارند... و بنای معامله گذارد و امتعه و اقمشه از فرنگ و هند به ایران آورند... کریم خان از شنیدن این سخنان بسیار خندید و گفت دانستم مطلب ایشان را، می‌خواهند به ریشخند و لطایف الحیل پادشاهی ایران را مالک و متصرف گردند، چنانکه ممالک هندوستان را به خدعه و مکر به‌چنگ آورده‌اند... و اهل ایران را به هیچ وجه من الوجوه، احتیاجی به امتعه و اقمشه و اشیای فرنگی نیست.»^(۹)

شکست هیئت انگلیسی در شیراز موجب شد برای جلب نظر کریم خان، پیشنهاد راندن میرمهنا را با همکاری نیروی نظامی و دریایی ایران بدهند.

است و به‌سبب نگرانی از آزار ارمنیان به نماینده کمپانی هند شرقی متوسل شده که به دیدن کریم خان می‌رفته است تا از جانب اسقف نزد وکیل الرعایا شفاعت کند. اما «این جریان برخلاف میل و آرزوی من منتفی گردد. زیرا وکیل الرعایا از انگلستان شاید به‌سبب آنکه نتوانسته بودند شر میرمهنا را دفع کنند، بدش آمد. کریم خان نه فقط به نماینده انگلیس بار نداد، بلکه حاضر نشد عرضحال کتبی وی را بپذیرد.»^(۶)

عامل دیگری که در بدبینی کریم خان زند نسبت به انگلیسیها مؤثر بود کمک و همکاری آنان با متسلم بصره درزد و خورد و مخالفت با شیخ سلیمان بنی‌کعب بود و این امر، سوء ظن کریم خان زند را نسبت به انگلیسیها که در جنگ دریایی در دفع میرمهنا تعمداً سستی کرده بودند، مضاعف کرد.^(۷) به دنبال این تحولات و بعد از قدرت یافتن شیخ سلیمان، انگلیس که مجبور گردیده بود برای عبور کشتی‌های خود برای رسیدن به بصره از طریق اروندرود به شیخ مالیات بپردازد و در بازگشت نیز با خرید خرما از شیخ، پروانه عبور کسب کند، تصمیم به سرکوبی ناموفق شیخ سلیمان گرفت. در اثر حملات کشتی‌های جنگی انگلیس با همکاری عثمانیان به شیخ سلیمان در خلیج فارس، کریم خان عمل انگلیسیها را تجاوز به خاک و اتباع ایرانی دانست و خروج فوری آنان را درخواست کرد و در واقع از وجود آنان در خاک ایران بیمناک بود.

با تیرگی روابط و بسته شدن تجارتخانه‌های انگلیسیها در جنوب که منافع اقتصادی و سیاسی آنان را در مخاطره قرارداد در صدد تجدید مناسبات تجاری با کریم خان زند برآمدند؛ اما سوء ظن خان زند برانگیخته شده بود و از ورود آنان به ایران جلوگیری کرد و خواهش‌های مکرر آنان را

انگلیسیها در سال ۱۱۸۴ ه. ق برای گرفتن پروانه تجاری اقدام نمودند، اما کریم خان نپذیرفت. در دوران بحران در روابط ایران و انگلیس، زمینه برای فرانسویان در رقابت‌های سیاسی و اقتصادی در قرن هجدهم میلادی با انگلیس برای ورود به شبکه تجارت ایران فراهم بود اما فرانسویان به مسائل هندوستان توجه بیشتری نشان دادند و در صدد تصرف سرزمینهای از دست رفته در شبه قاره و حفظ تجارت هندوستان بودند و در راندن میرمهنا با کریم خان همکاری نکردند و موضوع جزیره خارک را به آینده موکول کردند. از طرف دیگر، انگلیسیها کوشیدند از واگذاری هرگونه امتیاز به دول رقیب، به خصوص فرانسه، جلوگیری کنند. گزارش کنسول فرانسه در بصره به پاریس

اما حملات مشترک کشتی‌های انگلیسی و ایرانی به میرمهنا در سال ۱۱۸۲ ه. ق نتیجه‌ای دربرداشت و کریم خان دریافت که سستی نیروهای انگلیسی از عوامل مهم شکست بوده است و روابط به سردی گرائید و انگلیسیها مرکز تجاری خود را از بوشهر به بصره منتقل کردند. هرچند انتقال فعالیت‌های بازرگانی به بصره به زیان تجارت و اقتصاد ایران بود اما آگاهی ایرانیان و رویارویی با پدیده‌های استعماری را نشان می‌دهد که تداوم آن می‌توانست اثرات مهمی در آینده جامعه ایران برجای نهد. نامه کمپانی هند شرقی در سال ۱۱۸۲ ه. ق به «هنری مور»، نماینده بازرگانی کمپانی در بصره، به وضوح جریان تیرگی روابط ایران و انگلیس را بیان می‌کند.*

بررسی تحولات جنوبی ایران در نیمه دوم قرن هجدهم میلادی نکات جالبی را روشن می‌سازد. با تیرگی روابط و انتقال تجارتخانه‌های انگلیسی به قلمرو عثمانی در بصره، هلندیها نیز دارالتجاره خود را از ایران به عثمانی منتقل کرده بودند و در واقع این شیوه - که فشار بر تجارت خارجی ایران بود - به عنوان ابزاری استعماری دربرخورد با ایران مورد استفاده قرار می‌گرفت. نکته مهم‌تر ارتباط یافتن کانون‌های فعالیت مذهبی در ایران با مسائل سیاسی اروپائیان است. پس از توقف فعالیت‌های بازرگانان انگلیسی در بوشهر و انتقال آنان به بصره، رؤسای کلیسای اصفهان و مبلغان مذهبی مأموریت یافتند که خاک ایران را ترک کنند و در بصره اقامت گزینند. □

بعد از مسائلی که در جنوب ایران برای راندن میرمهنا در همکاری با انگلستان به وجود آمد، کریم خان توانست با اتکاء به نیروهای ایرانی با متواری ساختن میرمهنا جزیره خارک را به تصرف خود درآورد. بعد از موفقیت ایران در خلیج فارس،

* از این نامه برمی‌آید که هنری مور در ماه آوریل ۱۷۶۷ جرج اسکپ را برای جلب حمایت ایران در درگیری انگلیس با بنی‌کعب به شیراز فرستاد و در مذاکرات پایتخت کریم خان با استدلال تابعیت ایرانی بنی‌کعب مخالفت خود را با حمله بیگانگان به بنی‌کعب اعلام کرد. اما پیشنهادهای مناسبی را به انگلیسیها ارائه داد مبنی بر پرداخت غرامت توسط بنی‌کعب به انگلیس و این که حاضر است در مقابل کمک به سرکوبی میرمهنا، مبلغ نیم میلیون روپیه و حتی جزیره خارک را به انگلیس واگذار نماید. این پیشنهادها از سوی هنری مور پذیرفته نشد و دستور داد مذاکرات اسکپ در دربار ایران قطع گردد. ر. ک: رجیبی، پرویز، کریم خان زند و زمان او، تهران، کتابهای سیمرخ، ۱۳۵۵، صص ۲۲۴-۲۲۳.

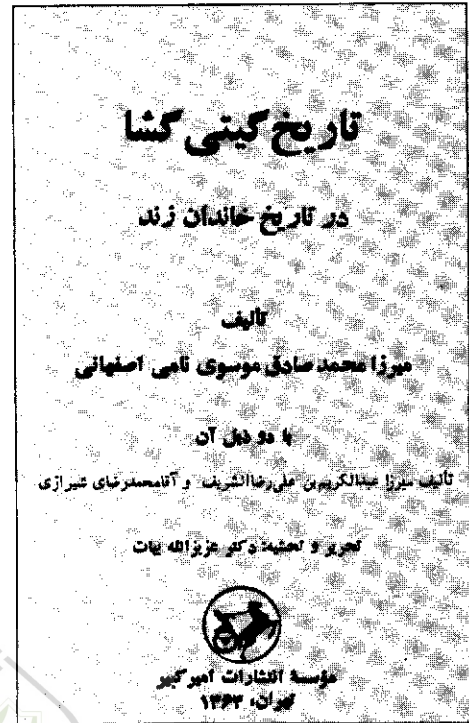
□ در میان بادداشت‌های روزانه رهبانان کرملی در بصره به تاریخ دوم آوریل ۱۷۷۰ راهبی که متصدی بایگانی بوده است چنین می‌نویسد: «چون شرکت انگلیسی دچار سرنوشت شومی شده بود، اکنون همگی انگلیسیها از بندر بوشهر به بصره نقل مکان کرده‌اند. به همین سبب اسقف اصفهان نیز ناگزیر شده است با بقیه السیف مؤمنان دلمرده خویش، خاک ایران را ترک کند و در بصره اقامت گزیند». ر. ک: طاهری، تاریخ روابط بازرگانی و سیاسی انگلیس و ایران، ج ۱، صص ۲۷۱-۲۷۰.

محمدصادق خان برادر خود را مأمور تصرف بصره کرد که مرکز تجارت و استقرار انگلیسیها در خلیج فارس شده بود. اتحاد انگلیس و عثمانی و «شیخ عبدالله منتفک» برای جلوگیری از قرار گرفتن بصره در دست ایرانیان، نتیجه‌ای دربرنداشت و همانگونه که «پارسونز»، دریانورد انگلیسی، معتقد است تصرف مقتدرانه بصره مخالفان پادشاه ایران را در هراس قرار داد.^{۱۰۸} «حاج میرزا حسن فسائی» با شرح جنگ بصره در سال ۱۱۸۸ ه. ق قدرت نظامی ایران را در رویارویی با سپاهیان عثمانی و انگلیسی و طایفه منتفک نشان می‌دهد.^(۱۱) نکته مهم این است ایرانیان که در راندن میرمهنا و تصرف بصره، جلوه‌هایی از قدرت خود را بروز داده بودند، همچنان برای حل مسائل جنوبی ایران به عامل خارجی توجه داشتند که در واقع نوعی فقدان تحلیل مناسب از پیچیدگی زمان و نادیده گرفتن قدرت درونی بود. این مشکلی بود که از ابتدای آشنایی با غرب پدید آمد و به عنوان میراثی به دوران‌های بعدی منتقل شد.

«عبدالرزاق سمرقندی» در «سیاحتنامه» خود در اواخر قرن هجدهم میلادی، رفتار احترام‌آمیز زندیان را با انگلیسیها در بصره، به رغم رفتار خصمانه

* پیرو (Pyraults) به پاریس گزارش داد: «وقتی رقیب ما موفق نشد جزیره خارک را به هر قیمتی که هست به دست آورد، اکنون با تمام قوا می‌کوشد تا از واگذاری آن به ما جلوگیری کند». ر.ک: روشن ضمیر، پژوهشی نو درباره روابط ایران با بیگانگان، مجله بررسیهای تاریخی، ص ۶، شماره ۶، ص ۲۴۱.

□ Parsons دریانورد انگلیسی که یک ماه قبل از آزادی گرین و بومونت در بصره بوده است. چگونه هجوم محمدصادق خان را با پنجاه هزار نیروی نظامی و ناوگان نیرومند به بصره بیان می‌کند و تأکید دارد که هجوم مقتدرانه صادق خان مخالفان بالقوه پادشاه ایران را ترسانید و در زمان اندک بصره به تصرف زندیان درآمد. ر.ک: طاهری، تاریخ روابط بازرگانی و سیاسی انگلیس و ایران، ج ۱، ص ۲۷۲.



این موضوع را تأیید می‌کند.*

پس از انتقال مرکز تجاری به بصره، بازرگانان کمپانی هند شرقی به مدت چهار سال به تجارت پرداختند اما شیوع بیماری وبا و طاعون، موجب انحلال دفاتر کمپانی در بصره و مهاجرت به هندوستان شد. اگرچه سوء ظن کریم خان نسبت به اقدامات پیچیده انگلیسیها برانگیخته شده بود اما تمایل به توسعه تجارت ایران موجب شد که از مسافرت کارگزاران و کشتی‌های انگلیسی به هندوستان جلوگیری نماید و نیروی دریایی ایران کشتی انگلیسی را توقیف کرد و گرین و بومونت در پایتخت زندیان مورد استقبال قرار گرفتند. به رغم تمایل کریم خان برای ایفای نقش از سوی کمپانی هند شرقی در تجارت خارجی ایران، اما همچنان نگران بود و در سال ۱۱۸۸ ه. ق با تقاضای نمایندگان انگلیسی برای ایجاد تجارتخانه در خاک مخالفت کرد و آنها را اخراج نمود^(۱۰) و حتی

آمد و شد تجار انگلیس در سراسر خاک ایران، آزاد بوده و در نقل و انتقال پول مختار خواهند بود.^(۱۲) منظور جعفر خان زند از صدور این فرمان، رونق دادن بازار تجارت ایران بود که در اثر انقلابات داخلی به شدت رکود یافته بود. این آخرین جنبشی است که از سوی شاهان زندیه برای توسعه بازرگانی و اقتصادی کشور صورت گرفت.[□] هر چند فرمان جعفر خان زند تفاوت‌هایی با اندیشه‌های اولیه کریم خان در روابط با انگلیس داشت به طوری که به رغم مخالفت کریم خان با انتقال پول ایران در برابر کالاهای انگلیسی برای تقویت اقتصاد ملی، فرمان جدید، آن را مجاز دانست. انگلیسیها با بهانه قرار دادن این فرمان، حق انحصاری تجارت در خلیج فارس را متعلق به خود دانستند و نفوذ خود را در خلیج فارس توسعه دادند. از این تاریخ به بعد، به همان اندازه که نفوذ و قدرت انگلستان در خلیج فارس افزایش می‌یافت، از نفوذ ایران کاسته می‌شد. ضمناً انگلیسیها مقارن توسعه نفوذ در خاورمیانه و خلیج فارس توانستند سرزمینهای وسیعی را در هندوستان متصرف شوند و مستعمرات خود را تا سرحد افغانستان توسعه دهند.

□

فرجام سخن این‌که رقابتهای استعماری و

آنان در زمان محاصره بصره، نشان می‌دهد.* با تصرف بصره، انگلیسیها که به بندر گرین (کویت امروزی) پناه برده بودند، با آگاهی از ورود «روبرت گاردن» و نمایندگان کمپانی به بوشهر برای مذاکره با کریم خان به آنان ملحق شدند. بازار وسوسه‌انگیز ایران بازرگانان انگلیسی را همچنان به ایران علاقمند نشان داد و مقادیر زیادی کالا و از جمله پارچه‌های ابریشمی و قهوه برای عرضه به تجار ایرانی با خود آوردند. پس از ورود هیأت انگلیسی به رهبری گاردن، کریم خان با آزادی گرین و بومونت فرمانی صادر کرد که براساس آن بازرگانان انگلیسی آزادی تجارت و معافیت گمرکی یافتند. با این فرمان، بندر بوشهر از سال ۱۱۹۲ ه. ق جایگزین بندر بصره به عنوان مرکز اصلی تجارت انگلیس در خلیج فارس شد. اما با مرگ کریم خان زند در سال ۱۱۹۳ ه. ق که به کشمکشهای درونی انجامید، زمینه برای تجارت در ایران مساعد نبود.

■ جعفر خان زند و تحولات تجاری پایان قرن هجدهم میلادی

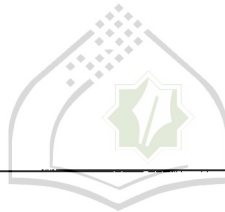
در دوران پراشوب زد و خورد بین جانشینان کریم خان، انگلیسیها جزیره قشم را تصرف کردند و آن را پایگاه ناوگان خود در خلیج فارس قرار دادند و اندکی بعد، برای تجدید روابط بازرگانی با ایران کوشیدند. از سوی دیگر منازعات درونی، به سستی تجارت خارجی ایران انجامیده بود و تنها فردی از دودمان زند که در صدد سامان بخشیدن به اقتصاد و تجارت ایران برآمد جعفر خان زند بود و در سال ۱۲۰۲ ه. ق پس از پذیرفتن هیأت کنسول انگلیس در بصره فرمانی صادر کرد که به موجب آن مقرر گردید با اتباع انگلیس در امور بازرگانی نهایت مساعدت و همراهی به عمل آید و از کلیه مالیات‌ها و عوارض و حق راهداری معاف باشند.

* عبدالرزاق سمرقندی می‌نویسد: «صادق خان به نماینده انگلیس در شهر بصره اظهار داشته بود که بنای تجارتخانه انگلیسیها، تنها بنایی است که شایسته اقامت او در بصره است، ولی او برای انگلیسیها آنقدر احترام قائل است که آن را اشغال نکند، حتی اگر دیوارهای آن از طلا باشد». ر. ک: هدایتی، تاریخ زندیه، ص ۲۳۶.

□ انگیزه جعفر خان زند برای توسعه تجارت ایران در متن فرمان تصریح شده است: «لازم است با لیوز انگلیس مقیم بصره... ملت انگلیس را تشویق کنند که در ایران به تجارت خودشان توسعه دهند در آن وقت مشاهده خواهند نمود ما نهایت درجه برای حفظ امنیت آنها خواهیم کوشید». ر. ک: محمود محمود، ج ۱، ص ۱۰.

و پیوند فعالیت‌های مذهبی اروپائیان را با اهداف استعماری می‌بینیم. اما با مرگ کریم خان زند نفوذ و امتیازات انگلیسیها در ایران افزایش یافت و تجارت خارجی ایران و خلیج فارس را در اختیار گرفتند. با توسعه نفوذ انگلستان در هند، از اواخر قرن هجدهم و اوایل قرن نوزدهم میلادی، ایران و خلیج فارس از نظر انگلیسیها حصار و حفاظ مرزهای هندوستان گردید و در دیپلماسی انگلیس توسعه نفوذ و نظارت بر ایران به منزله سدی در برابر کشورهای اروپایی مانند: فرانسه و روسیه بود. این سیاست، آسیب‌های پایداری را بر ایران قرن نوزدهم وارد ساخت و در دوران جدید به تضعیف ایران انجامید.

مستعمراتی فرانسه و انگلیس در قرن هجدهم میلادی که در قالب جنگهای هفت ساله در اروپا و آسیا تبلور یافت ایران و خلیج فارس را در دیپلماسی کشورهای برتر اروپایی در نیمه دوم قرن هجدهم اهمیت بخشید. کریم خان زند از یک سو در استقرار امنیت داخلی و حاکمیت ایران در خلیج فارس کوشید و از سوی دیگر در جهت ارتقاء و توسعه اقتصادی کشور به برقراری روابط خارجی و انعقاد قراردادهای بازرگانی خصوصاً با انگلستان پرداخت. به رغم این رویکرد، کریم خان همواره جانب احتیاط را رعایت کرد و عملکرد آنان را به دیده‌ای باریک بین می‌نگریست. نکات قابل توجه این‌که تجارت، پوششی برای مقاصد سیاسی شده بود و بویژه ارتباط



● یادداشتها

- ۱- این مورخ فجایع علی مردان خان را در اصفهان بیان می‌کند؛ ر.ک: رستم التواریخ، تصحیح محمد مشیری، تهران، بی‌نا، ۱۳۴۸، ص ۲۵۱.
- ۲- ر.ک: سر جان ملکم، تاریخ ایران، ترجمه میرزا اسمعیل حیرت، تهران، کتابفروشی سعدی، ۱۳۶۲، ج ۲، ص ۵۳.
- ۳- سر جان ملکم و از مورخان داخلی قاضی احمد غفاری تعدیات نصیرخان لاری را بیان می‌کنند. ر.ک: غفاری کاشانی، تاریخ نگارستان، به کوشش مرتضی مدرس گیلانی، تهران، کتابفروشی حافظ، ۱۴۰۴، ص ۴۲۹.
- ۴- سایکس قرارداد شیخ سعدون و کمپانی انگلیس و قرارداد کریم خان با دور نفورد را آورده است. ر.ک: تاریخ ایران، ج ۲، ص ۲۸۰.
- ۵- ر.ک: رضاقلی هدایت، روضه الصفای ناصری، قم، کتابفروشی مرکزی، ۱۳۳۹، ج ۹، صص ۸۳-۸۲؛ محمدصادق موسوی نامی، تاریخ گیتی گشا، تصحیح سعید نفیسی، تهران، اقبال، ۱۳۱۷، صص ۱۶۴-۱۶۱.
- حاج میرزا حسن فسانی، دلیل حمله میرمها به خیارک را به سبب آب شیرین می‌داند؛ ر.ک: تاریخ فارسنامه ناصری، تهران، انتشارات کتابخانه ستانی، ۱۳۶۲، ص ۲۱۶.
- ۶- تاریخ کشیشان کرملی، ج ۱، ص ۶۶۷، نقل از: طاهری، تاریخ روابط بازرگانی و سیاسی انگلیس و ایران، ج ۱، ص ۲۶۹.
- ۷- ر.ک: روشن ضمیر، مهدی، پژوهشی نو درباره روابط ایران با بیگانگان در سده دوازدهم هجری، مجله بررسیهای تاریخی، سال ۶، شماره ۲، ص ۲۸۷.
- ۸- ر.ک: هدایتی، هادی، تاریخ زندیه، تهران، بی‌نا، ۱۳۴۴، ص ۲۳۵.
- ۹- رستم التواریخ، ص ۳۹۰-۳۸۲.
- ۱۰- رستم التواریخ، ص ۳۸۸.
- ۱۱- ر.ک: تاریخ فارسنامه ناصری، ص ۲۱۸.
- ۱۲- برای فرمان جعفر خان زند. ر.ک: محمود محمود، تاریخ روابط سیاسی ایران و انگلیس، ج ۱، صص ۱۰-۹.